

اندر پدیده ذوق زدگی در امر پژوهش تاریخی

از محقق تا مقلد فرق هاست



امیرحسین نزاری

متأسفانه چند سالی است که در فضای فارسی زبان با یک امری ناپسند مواجهیم که من آن را "ذوق زدگی در امر پژوهش تاریخی" می‌نامم. الان حدود دویست سال است که پژوهش‌های تاریخی و فیلولوژیک و متنی در غرب درباره اسلام و منابع اسلامی و تاریخ و جغرافیای جهان اسلام در جریان است. تاریخ اسلام‌شناسی (شرق‌شناسی) در غرب فرازونشیب بسیار داشته و مکاتب و رویکردهای مختلفی را تجربه کرده است. محققان ایرانی دست‌کم از اوایل قرن بیستم از طرق مختلف در جریان این تحقیقات قرار گرفته‌اند. یکی از این راه‌ها مشارکت مستقیم تعدادی از پژوهشگران و محققان ایرانی در شماری از این نوع تحقیقات و مساهمت آنان در این نوع ادبیات از طریق اقامت در غرب و دانشگاه‌های غربی / تدریس و پژوهش در سنت‌های آکادمیک در غرب و دیپارتمان‌های مطالعات اسلام و شرق نزدیک در اروپا و آمریکا بوده است. این نوع از مساهمت همچون مساهمت شماری از محققان عرب و مسلمان دیگرگاهی با انتقادهایی از سوی سنت‌گرایان مسلمان روبه‌رود. با این وصف هر دیدگاهی درباره این انتقادات داشته باشیم یک چیز مسلم است و آن اینکه این نوع مشارکت و مساهمت در ادبیات پژوهش‌های آکادمیک و انتقادی اسلام‌شناسی برای این دسته از محققان مسلمان و از جمله ایرانی این زمینه را آسان‌تر (با تأکید بر روی کلمه آسان‌تر) می‌کند تا با نقاط ضعف و قوت یا نقص و کمال این نوع پژوهش‌ها آشنایی عمیق‌تری پیدا کنند، مبانی نظری و فلسفی دیدگاه‌ها و مکاتب پژوهش‌های تاریخی در غرب را بهتر بشناسند و آشنایی دقیق‌تری با آن‌ها به دست آورند. یک نمونه روشن آن در آغاز دوران جدید تحقیق تاریخی و ادبی در ایران مرحوم علامه محمد خان قزوینی بود که در یادداشت‌ها و نامه‌ها و نوشته‌هایش جا به جا به نقاط ضعف و قوت تحقیقات تاریخی و متنی و ادبی معطوف به اسلام و ایران در سنت‌ها و سنت‌های شرق‌شناسی و ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی پرداخته، سهل است گاهی اشتباهات فاحش و بی‌اطلاعی عمیق شماری از شرق‌شناسان هم عصر خود را فتابی کرده است. نویسنده این سطور که چند سالی در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی بادو سه تن از محققان بلندآوازه تحقیقات تاریخی و ادبی ایران که خود در غرب در بهترین دانشگاه‌ها تحصیل کرده بودند و به مراتب بالای علمی در رشته‌های خود رسیده بودند، شرف همکاری و بهره‌وری از محضرشان را یافته‌ام است. به تئیکه به‌خاطر می‌آورد که استنادانی همچون علامه بی‌مانند، استاد شادروان عباس زریاب خوبی، چگونه همواره ما را به داشتن نگاهی نقادانه نسبت به ادبیات شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی در غرب توصیه می‌کردند، اینکه در برابر آنچه در این نوع ادبیات نوشته می‌شود باید همواره جانب احتیاط را رعایت کرد و محققانه و نه مقلدانه با آن‌ها برخورد کرد و از آن‌ها کمال استفاده را در عین حال برد. این در حالی بود که همواره همین استادان مانند علامه زریاب به ما نسل جوان آن روز با تأکید بسیار توصیه می‌کردند که آشنایی با سنت‌های پژوهشی در غرب در ارتباط با مباحث تاریخ اسلام و سیره و تاریخ باورها بسیار ضروری است و مکمل مطالعات و تحصیلات در داخل سنت اسلامی است. ویژگی علامه قزوینی و استاد علامه زریاب خوبی این بود که آموخته بودند در مواجهه با هر سخن و هر متن و ادعا و پژوهشی باید یک معیار اساسی داشت: آنکه می‌بایست محققانه هر ادعا و پژوهشی را بررسی و عناوین یا قیوم‌ها فریبمان ندهد. چنین نیست که هر ادعای علمی و نظری تازه‌ای در مبنایی اصیل و دقیق استوار باشد یا قیوم بیان و ارائه (و از جمله ارجاعات بسیار به متون یا ادعای اطلاع بر زبان‌های قدیم و استفاده از متون مختلف این زبان‌ها) ما را از بررسی دقیق ادعاها و نظریات بازدارد. در آن صورت مواجهه ما با این نوع ادبیات نه محققانه که از نوع نازل‌ترین انواع مواجهه مقلدانه است. روشن است که در برخی حوزه‌های مطالعات اسلامی و از جمله درباره سیره پیامبر، تاریخ صدر اسلام، تاریخ دنیای باستان متأخر، مطالعات زبانی و ادبی و تاریخی درباره قرآن و حدیث، تاریخ شکل‌گیری باورها و عقاید مذهبی و... دانستن زبان‌های مختلف، آشنایی با مکاتب و نظریات مختلف تاریخی و ادبی و مباحث زبانی، فیلولوژیک / تاریخی و دقت در امکان گذاری‌ها و تأثیرگذاری‌ها بسیار مهم است، اما

اینکه برای بررسی تاریخ عقاید و باورهای مذهبی و شکل‌گیری تدریجی باورهای مذهبی آشنایی با این منابع و شیوه‌ها ضروری است، اما فرق محقق و مقلد در مواجهه با ادبیات اسلام‌شناسی غربی این است که بدانند مرز تحقیق و شبه تحقیق کجاست؟

کجا دوری‌ها تنها بر اثر آشنایی سطحی با این منابع و با این روش‌هاست و کجاریشه در آشنایی عمیق دارد؟ کجاست که در زیر ظاهری پر از رنگ و لعاب ارجاعات بسیار و مقایسه‌ها و فرضیه‌های به‌ظاهر استوار بی‌دقتی‌ها و آشنانیدون دقیق با منابع و بدخوانی متون و درک درست نداشتن یا اشتبازدگی در تحلیل و تحقیق وجود دارد؟ کجاست که در تحلیلی‌ها، پژوهش دچار مغالطه‌های منطقی و مصادره به مطلوب‌ها شده است؟ از ادبیات پژوهش‌های تاریخی در حوزه اسلام پژوهی در غرب همانند یک آزمایشگاه عمل می‌کند که در آن وطی زمان پژوهش‌ها و تحقیقات و ادعاها طرح و بررسی می‌شوند. آنچه از فقر دقت در پژوهش رنج می‌برد به تدریج رنگ می‌بازد و با وجود سر و صدای بسیاری که برخی از آن‌ها گاهی برای مدت کوتاهی ایجاد می‌کنند در نهایت در مواجهه با پژوهش‌های نقادانه و بررسی‌ها و نقد‌ها آرام آرام جای خود را به نظریات و پژوهش‌های جدید می‌دهند. متأسفانه مدتی است نوعی ذوق زدگی در مواجهه با ادبیات اسلام پژوهی در غرب در بین شماری از علاقه‌مندان فارسی زبان در فضای مجازی دیده می‌شود که علل و اسباب معرفتی و اجتماعی آن شاید قابل درک باشد اما به هر حال باید نقد و بررسی از گاهانه شود. این به‌ویژه در آنچه به تاریخ آغازین اسلام، سیره پیامبر و مطالعات تاریخی درباره متن قرآنی و تاریخ- تدوین قرآن و سیره و سنت و حدیث مرتبط است یا با تاریخ تشیع آغازین ارتباط می‌یابد بیشتر دیده می‌شود و این موضوع‌ها البته از اهمیت بیشتری هم برخوردار است. ترجمه یا نقل خلاصه‌های ادبیات پژوهشی در این زمینه‌ها بی‌آنکه شناخت دقیقی از منابع و شیوه‌های تحقیق و بحث‌هایی که در سنت‌های اسلام‌شناسی در غرب در این باره وجود دارد، تنها تصویر و برداشتی ناقص، خام و توأم با ذوق زدگی مقلدانه را می‌تواند به دنبال داشته باشد.

فقدان آشنایی عمیق با منابع و متون از یک سو و نبود آشنایی دقیق با مکاتب و شیوه‌های پژوهش در سنت‌های اسلام‌شناسی در غرب، مواجهه با ادبیات اسلام‌شناسی در غرب را تنها در سطحی از ارائه روایتی ناقص، ذوق‌زده و مقلدوار تقلیل می‌دهد و تنها از آن نوعی توهم دانش و توهم تولید دانش بر می‌خیزد، توهم اینکه حقایق درباره سنت و باورها و متون مقدس هست که تاکنون نشنیده‌اید و بنیان برافکن است. این توهمی بیش نیست. دنیای پژوهش آکادمیک دنیای احتمالات و فرضیه‌ها و آزمون‌ها و دقت‌ها و خطاهاست.

وحدت متعالی ادیان و مذاهب

امیدحسینی نژاد

ا امام موسی صدر نقشی بی‌بدیل در رشد آگاهی شیعیان داشت و شعار وحدت امت اسلامی را معنا بخشید. او با سلوک سیاسی خویش، پیروان ادیان گوناگون را به همزیستی مسالمت آمیز هدایت و نقش برجسته‌ای را در این مسیر ایفا کرد. از میان اندیشه‌های متعالی امام موسی صدر، مسئله وحدت اسلامی و تلاش او در این راستا اهمیت بیشتری دارد، به طوری که می‌توان این مقوله را نقطه عطف دیگر اندیشه‌های وی محسوب کرد. اهمیت این مطلب زمانی بیشتر روشن می‌شود که اقدامات مؤثر و ارزشمند وی چون «نامه به مفتی اهل سنت لبنان»، «پارهاکارش برای «وحدت فقهی»، «یاتلاش‌های متعدد اودر عرصه داخلی لبنان که برای مقابله بانزاع و کشمکش‌های داخلی و برقراری وحدت ملی بود، ارزیابی شود. امام صدر با مطرح ساختن گفت‌مان مسلمین و مسیحیان، در راه وحدت و تفاهم میان ادیان گام برداشت.

از جمله ویژگی‌های رهبران بزرگ جهان «فراقومی و فرامذهبی»، بودن آن‌هاست؛ به این معنا که تعلق به یک قوم، قبیله یا عقاید یک مذهب ندارند. هرچند ممکن است به یک قوم و قبیله یا مذهبی خاص منسوب باشند. طایفه‌داران تقریب و ممتازترین آن‌ها، امام موسی صدر جزو این افراد هستند. فعالیت امام موسی صدر و منش و سیره او که به‌ویژه در کوران حوادث لبنان به چشم می‌خورد، تأییدکننده این مطلب است که او نماد وحدت اسلامی است. تلاش امام موسی صدر در راستای تقریب مذاهب اسلامی و به‌ویژه در لبنان و جهان عرب این ایده را تقویت می‌کند. او نماد وحدت ملی نیز هست. وقتی امام موسی صدر در ۱۳۳۸ خورشیدی وارد لبنان شد در همان سال و در نخستین فرصت شالوده روابط دوستی با علمای اهل سنت را در شهر صور بی‌ریزی کرد. امام موسی صدر در راستای وحدت ملی تلاش‌های زیادی کرد که عمده این تلاش‌ها برای جلوگیری از بروز فتنه داخلی در کشور لبنان در میان اقوام و مذاهب گوناگون بود.

این روزها مصاف بود با ربایش امام موسی صدر در لیبی. برای وا‌کاوی بیشتر نقش امام موسی صدر در وحدت جریان‌های مذهبی و انسجام اسلامی گفت وگویی با حجت الاسلام رضا مختاری، رئیس مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه داشته‌ایم. مشروح این گفت وگو را در ادامه بخوانید.

● وحدت اسلامی یکی از مؤلفه‌هایی است که خداوند متعال در قرآن کریم به آن اشاره کرده است. اهل بیت(ع) در سیره خود نیز به این مهم توجه ویژه‌ای داشته‌اند. به نظر شما در اندیشه اسلامی وحدت چه تأثیر بسزایی در توسعه مفاهیم اندیشه اسلامی خواهد داشت؟

خداوند در آیه «واعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً ولا تفرّقوا»، تمام افراد جامعهٔ اسلامی را به وحدت فرا خوانده و فرموده‌اند که «... همگی به ریسمان الهی چنگ و بنزد و متفرق نشوید، اما ریسمان الهی چه مواردی را شامل می‌شود که با توسل به آن‌ها وحدت ایجاد و تفرقه از بین می‌رود؟ در تفاسیر مختلفی که از این آیه شده قرآن، کتاب و سنت، دین الهی، اطاعت خداوند، توحید خالص، ولایت اهل بیت علیهم السلام مواردی است که به آن اشاره شده است. البته شاید بتوان به روایتی از پیامبر (ص) اشاره کرد که در آن قرآن را ریسمان کشیده شده میان آسمان و زمین معرفی کرده است و می‌توان گفت توسل به آن ریسمان، وحدت آفرین میان تمامی امت اسلامی است از هر ملیت و قومی که هستند.

● در متون اسلامی مسئله وحدت مذاهب و ادیان چگونه تبیین شده است؟

در پاسخ به این پرسش شما به برخی آیات کریم اشاره می‌کنم که کمتر در این گونه مباحث به آن‌ها اشاره می‌شود. حضرت موسی^(ع) بعد از بازگشت از کوه طور

گفت وگوی شهرآرا با حجت الاسلام رضا مختاری درباره تقریب مذاهب و ادیان در اندیشه امام موسی صدر

وحدت متعالی ادیان و مذاهب در «صدر»



خود، قرن بیست و یکم را قرن همزیستی پیروان ادیان، مذاهب، فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون نامید و بر رسالت تاریخی لبنان برای ارائه الگویی موفق در این باره پافشاری کرد. امام موسی صدر همیشه می‌گفتند: هیچ تناقض و اختلافی میان شیعه و سنی نیست، این‌ها پیروان دو مذهب از یک دین واحدند. وی با این تفکر به فعالیت‌های وحدت آفرین خود در لبنان عمق بخشید. شهید آیت‌ا... سید محمدباقر صدر نیز از عالمان خوش فکر، مترقی و از بزرگان جهان تشیع و کم‌نظیر بودند، البته برخلاف شهید سید محمد باقر صدر که به کشورهای دیگر سفر کرد، امام موسی صدر به بسیاری از کشورهای دنیا از جمله آفریقا برای ایجاد طرح‌ی نو برای هم‌فکری مراکز اسلامی مصر، الجزایر و مغرب سفر کردند و از نزدیک با جوامع مختلف آشنا شدند.

● در وضع آن زمان نجف اشرف، عالم مترقی، روشن بین و آگاهی‌مانند شهید سید محمد باقر صدر چگونه پرورش پیدا کرد؟ یکی از علت‌های روشن آن، ارتباط وسیع ایشان با امام موسی صدر است. چون این دوازده‌گزار چند سال هم‌مباحثه بودند. بعد از اینکه امام موسی به لبنان سفر کرد، بارها سید محمد باقر صدر به لبنان رفت و با امام موسی صدر در لبنان زندگی می‌کرد. این تعبیر از شهید محمدباقر صدر درباره امام موسی صدر است که فرمود: امام موسی صدر درجهٔ حوزه نجف پایل ارتباط حوزه نجف اشرف با دنیای معاصر است. یعنی دنیای معاصر تنها ارتباطی که با حوزهٔ نجف دارد، از طریق امام موسی صدر است، چرا که ایشان سعی داشت تأمین سنی شیعه و نیز میان مسلمانان و مسیحیان تفاهم برقرار کند و اختلافات را به حداقل برساند.

او بادیید بازو و روشنی که داشت، در آن سال‌ها توانست این افکار را عملی کند. نظر امام موسی صدر این بود که باید سعی کنیم تا در آینده با یهود متحد نشوند که علیه اسلام فعالیت کنند، یعنی اتفاقی که الان افتاده است.
● در دوران آن زمان نجف اشرف، عالم مترقی، روشن بین و آگاهی‌مانند شهید سید محمد باقر صدر چگونه پرورش پیدا کرد؟ یکی از علت‌های روشن آن، ارتباط وسیع ایشان با امام موسی صدر است. چون این دوازده‌گزار چند سال هم‌مباحثه بودند. بعد از اینکه امام موسی به لبنان سفر کرد، بارها سید محمد باقر صدر به لبنان رفت و با امام موسی صدر در لبنان زندگی می‌کرد. این تعبیر از شهید محمدباقر صدر درباره امام موسی صدر است که فرمود: امام موسی صدر درجهٔ حوزه نجف پایل ارتباط حوزه نجف اشرف با دنیای معاصر است. یعنی دنیای معاصر تنها ارتباطی که با حوزهٔ نجف دارد، از طریق امام موسی صدر است، چرا که ایشان سعی داشت تأمین سنی شیعه و نیز میان مسلمانان و مسیحیان تفاهم برقرار کند و اختلافات را به حداقل برساند.

او بادیید بازو و روشنی که داشت، در آن سال‌ها توانست این افکار را عملی کند. نظر امام موسی صدر این بود که باید سعی کنیم تا در آینده با یهود متحد نشوند که علیه اسلام فعالیت کنند، یعنی اتفاقی که الان افتاده است.

نقل کرد که هارون گفت: اِنِّیْ خَشِیْتُ اَنْ تُقُوْلَ قَوْلُتَ بَیْنِ بَنِیْ إِسْرَآئِیْلَ، حضرت موسی در اینجا بعد از شنیدن جواب حضرت هارون در حق او دعا کرد: ال رَبِّ اغْفِرْ لیْ وَ لِأَخِیْ وَ ادْخُلْنِیْ فِی رَحْمَتِکَ وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ. (اعراف، ۱۵۱) بنابراین جوابی که حضرت هارون به حضرت موسی داد، مورد پذیرش حضرت موسی^(ع) واقع شد.

● با توجه به نکاتی که گفتید شاید بتوان یکی از پرچم‌داران وحدت در قرن گذشته را امام موسی صدر دانست، به نظر شما تأثیر او در یک صدایی مذهبی در لبنان تا چه اندازه بود؟

امام موسی صدر در بیش از پنجاه سال پیش برای اصلاح امور شیعیان لبنان به این کشور رفت. افکار ایشان در آن زمان تقریباً نوعی نبوغ فوق العاده محسوب می‌شد و نگاه ایشان، نگاه بازو و جهانی بود. در زندگی نامهٔ امام موسی صدر نکته‌های زیادی هست که برای همه ما درس عبرت و چراغ راه هدایت است. چون موضوع بحث اتحاد ملی و انسجام اسلامی است. ایشان درصدد بود تا جمعیت شیعه کشور لبنان را همانند دیگر مذاهب موجود در آن کشور، در تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن کشور مشارکت دهد. در تمامی مراسم مذهبی، اندوه یا جشنی که در مدت حضور ایشان در لبنان برگزار می‌شد، بزرگان و فرهیختگان اهل سنت و مسیحیت هم ایشان را همراهی می‌کردند. رفت‌وآمدهای آن بزرگوار به کلیساها، دیرها و مجامع فرهنگی مسیحیان باعث بروز تأثیرات معنوی عمیقی بر مسیحیان آن کشور بود.

● به نظر شما جایگاه فقهی و علمی او برای رسیدن به این مهم چه تأثیری داشت؟ متأسفانه هرگاه از شخصیت امام



امام موسی صدر در بیش از پنجاه سال پیش برای اصلاح امور شیعیان لبنان به این کشور رفت. افکار ایشان در آن زمان تقریباً نوعی نبوغ فوق العاده محسوب می‌شد و نگاه ایشان، نگاه بازو و جهانی بود

قرآن سپهسالار تُرک

والمسلمین اختیار الملوک و السلاطین پهلوان الشرق - افتخار الأمراء اَلْعُ قُلُوعُ جانداریک قُلُوعُ سلطانی - أغز الله أنصاره بتاريخ شهر الله المبارک رمضان سنة - خمس وستمائة، تقریباً تمام این انجامه ذکر القاب و اوصاف سرمایه‌گذار و آمر به‌کتابت این مصحف ده پاره است. با این همه، در تاریخ به‌دست آمده از قرون کهن، نام وی را نمی‌یابیم. نام این فرد در انجامه‌های این جزوات قرآنی، پس از ذکر القاب متعدد و بلندمرتبه چنین آمده است: «أَلْع قُلُوعُ جانداریک قُلُوعُ سلطانی، اجزای مختلف این نام، همگی بر ترک بودن وی و منصب نظامی وی در حکومت سلجوقیان اشاره دارد. «أَلْع، یا ولوغ به‌معنای بزرگ و توانا در ترکی قدیم، از دیرباز به‌عنوان لقب و بخشی از نام‌ها به زبان فارسی راه یافته است. «قُلُوع، نیز به‌معنای نیکبخت، شادمان و خوش یمن، از مادهٔ قوت (= تأیید آسمانی و الهی، اقبال، بخت خوش، و سعادت) + پسوند نسبت و ارندگی «لُوع، است. در واقع، «قُلُوع، نام اصلی این امیر سلجوقی است. اما «جاندار، و «جاندار یک، به‌دارندۀ منصبی نظامی و مأمور

در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، نسخه‌ای از قرآن موجود است که در سال ۶۰۵ هجری قمری به‌فرمان امیری از سلجوقیان در خراسان فراهم آمده است. این ترجمهٔ فارسی به‌دلیل تاریخ‌دار بودن، منبعی مهم در تاریخ زبان فارسی محسوب می‌شود، اما گویا هیچ یک از این هفت جزء قرآنی در تألیف کتاب فرهنگنامهٔ قرآنی (زیر نظر دکتر جعفر یاحقی) و فرهنگنامهٔ بزرگ قرآنی (زیر نظر دکتر علی روائی) مورد توجه و فیش برداری نبوده است.

در پایان سه پاره از این قرآن‌ها، انجامه‌ای باقی مانده است که کاتب بدون ذکر نام خود، به تاریخ کتابت نسخه در رمضان سال ۶۰۵ هجری، و نیز فرد آمر به‌کتابت اشاره می‌کند. این انجامهٔ بسیار کهن می‌تواند حاوی اطلاعاتی مهم از تاریخ سلجوقیان و نیز تاریخ مناصب اداری در ایران قرن ششم هجری باشد. متن انجامه چنین است:

«تمام‌شد این مصحف بعون و توفیق - حق تعالی بجهت امیر سپهسالار - أجل کبیر موبد- مظفر منصور غازی أسد الدولة و الدین نصیر الإسلام-

از آنجا که اوضاع تاریخی «آستانه»، ظهور اسلام در ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است، بنابراین تأکید بیشتر بر وقایع اواخر حکومت ساسانی است که در فصل دوم به آن پرداخته می‌شود. بحث اصلی کتاب از فصل سوم آغاز می‌شود که دربرگیرندهٔ وقایع قرن هفتم میلادی (اول هجری) است و صفحات زیادی از کتاب به آن اختصاص یافته و سپس در فصول بعد به اوضاع اجتماعی، دانشمندان و وقایع ایران زمین بعد از ورود اسلام پرداخته شده است. در فصول چهارم تا هفتم کتاب به تأثیر اسلام بر فرهنگ، روابط اجتماعی و وضع علوم در ایران زمین از بدو ورود اسلام تا حملهٔ مغول، یعنی دربارهٔ زمانی‌ای در حدود هشتصد سال پرداخته شده است. آخرین فصل کتاب به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب اختصاص یافته است.

این کتاب ضمن مطالعهٔ منابع مختلف، با روشی استدلالی و انتقادی در پی ایضاح این مطلب بوده است که برخلاف نظر برخی مدعیان و منتقدان، نه‌تنها اسلام بازور شمشیر و خشونت به‌مردم ایران تحمیل نشده، بلکه پذیرش آن از جانب ایرانیان به سبب سرخوردگی از نظام ساسانی و در نتیجه گرایش عاقلانه و عاشقانه و مؤمنانه به دین رهایی‌بخش اسلام بوده است. امری که از بدو ورود اسلام به ایران تاهشت سده به‌شکوفایی علمی و فرهنگی و تمدنی در عرصه‌های مختلف انجامیده است. برای پاسخ به پرسش اصلی چگونگی ورود اسلام به ایران، آشنایی مقدماتی با اوضاع تاریخی ایران پیش از ورود اسلام ضرورت دارد. بنابراین در فصل اول برای یادآوری، مطالبی از ورود آریایی‌ها، حکومت‌های ماد، هخامنشی، سلوکی و اشکانی به‌طور مختصر آورده شده است، البته

استعداد شگرف ایرانی که تحت سیطرهٔ ساسانیان، منجمد و فسرده شده بود، با ورود اسلام جان دوباره گرفت و شروع به رشد کرد. ایرانیان پیام و محتوای اسلام را که توحید، هدف‌داری خلقت، بی‌حساب و کتاب‌نبودن اعمال، یگانگی ماهیت همهٔ انسان‌ها در برابر خدا، ارزش علم و مجاهدت در مسیر دانش، لزوم تلاش برای قسط و عدل، جهاد و دفاع از مظلومان و... بود، گرفتند و عاشقانه برای این دین زحمت کشیدند و تا زمانی که به آن اصول پایبند بودند، در مسیر رشد قرار داشتند.

ورود اسلام به ایران و تأثیر آن در فرهنگ و تمدن و روحیات و خلق و خو و آداب و عادات ایرانیان از مباحثی است که بیشتر مورخان و پژوهشگران بر سر آن توافق دارند و بر نقش مثبت و سازنده در تحول آفرین آن در عرصه‌های مختلف علمی و فرهنگی و تمدنی مهر تأیید زده‌اند. نویسندهٔ

اسلام در سرزمین آریایی‌ها



کتاب شناخت